

یکشنبه‌های

۳۱

الگوهای

الگوهای فعالین میدانی

در موضوع

طوفان الأقصى

جناب آقای مازیار

کوچکی

اللوی؛ مدرسه فلسطین



مدرسه فلسطین

ضرورت این کار کجاست؟ اتفاقی که در هفت اکتبر سال گذشته افتاد اتفاق واقعاً بی‌نظیری بود، در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ رقم خورد و الان هم به این تاریخ نزدیکی، عملیات طوفان الأقصى، چرا صفت بی‌نظیر را به کار می‌بریم؟ شاید مجموعه‌های ما آنطور که باید و شاید در این مدت و در یک سالی که گذشت خیلی نتوانستند نقش طوفان الأقصى را تبیین کنند. این اتفاق آن قدر عظیم و بزرگ بود که می‌شود که جهان را به قبل و بعد از طوفان الأقصى تقسیم کرد. حتی می‌توانیم نوع مقاومت در برابر جبهه استکبار را به قبل و بعد از طوفان الأقصى رتقسیم کنیم. مردم مقاوم و سلحشور غزه اتفاق ویژه‌ای را رقم زدند، غزه‌ای که امروزه به عنوان بزرگ‌ترین زندان روباز دنیا از آن یاد می‌کنند. چرا این اتفاق بزرگ بود؟ چون باید مقاومت قریب به ۸۰ ساله فلسطینی‌ها را یک طرف در نظر بگیرید، بعد از طوفان الأقصى هم یک طرف. مردمی که تحت محاصره دیوارهای بلند رژیم صهیونیستی در آن منطقه باریک بودند این قضیه را رقم زدند.

دیوارهایی که چندین متر زیر زمین‌اند و سنسورهای

مختلفی دارند که از تونل زدن جلوگیری کند، نزدیک ۸، ۹ متر بالای زمین هستند و با فاصله‌های منظم برجک‌هایی دارند که به آخرین سیستم‌های تصویری و دوربین‌های پیشرفته مجهزند و انواع و اقسام سلاح‌های مرگبار که می‌توانند تا کیلومترها هر جنبه‌ای را بزنند. بالا سر این دیواری که دور تا دور غزه هست، پهبادهای و آواکس‌هایی هستند که مرتب در حال تهیه گزارشند که هیچ امکانی برای نفوذ به این دیوار وجود ندارد. شما می‌بینید که مردم تحت محاصره غزه این دیوار را می‌شکنند، واقعاً عجیب است، واقعاً عجیب است، من خیلی کوتاه گفتم، اگر به این قضیه علاقه‌مند هستید، در مورد طوفان و کاری که بچه‌های حماس انجام دادند مطالعه کنید. این دیوار را می‌شکنند و ۳ برابر مساحت غزه در عمق اسرائیل نفوذ می‌کنند. تقریباً ۱۵۰۰ نفر اسیر می‌گیرند، فرماندهان ارشد اسرائیلی را در خواب دستگیر می‌کنند. مردم تحت محاصره یک کار ویژه انجام دادند. واقعاً آبروی اسرائیل رفت، یکی از اساتید این تحلیل را می‌گفت؛ شاید این حجم از دیوانگی و جنایتی که اسرائیل بعد از طوفان مرتکب شد و غزه به تعداد بالا شهید داد، به این خاطر بود که اسرائیل می‌گفت بگذارید چهره من در جهان بد شود ولی آبرویی که این‌ها در این عملیات از ما بردند زیاد پخش نشود، طوفان‌الأقصى کوچک شمرده شود. چرا می‌گوییم خیلی مهم است و جهان باید به قبل و

بعد از طوفان تقسیم شود؟ خودتان دیدید، طوفان الأقصى و به تبع آن اتفاقاتی که افتاد و جنایاتی که اسرائیل مرتکب شد مردم دنیا را بیدار کرد. یک زمانی بود که خیلی‌ها می‌گفتند فلسطین هم دیگر از چشم دنیا افتاده، دیگر همه پذیرفتند، خصوصاً در منطقه ما کشورهای حوزه خلیج فارس به این سمت می‌رفتند؛ ما که نتوانستیم اسرائیل را بزنیم، ۶ تا کشور جنگ کردند و اسرائیل در ۶ روز همه آن‌ها را زد، دیگر پذیریم که موجودیت اسرائیل تثبیت شده، حالا روابطمان را عادی کنیم. جهان و منطقه ما در حال رفتن به این سمت بود، طوفان الأقصى ورق را برگرداند و کاری کرد که الان وجود و مشروعیت اسرائیل دوباره زیر سؤال رفت، از این بابت واقعاً کار دلچسب و پر قدرتی بود که دیگر به ماجرای قبل از طوفان برنمی‌گردیم. این اتفاق کاری کرد که دانشجویان آمریکایی که هیچ سنخیتی با دین و مسلمانان ما ندارند بیدار شدند و دیدید که چه اتفاقاتی در آمریکا رقم زدند.

امروز یکی از دوستان برایم کلیپی را از یکی از ثروتمندان آمریکایی که مشهور هم هست فرستاده بود، نمی‌خواهم اسمش را ببرم، این فرد تمام امکانات دنیا را داشته و در مصاحبه می‌گفت چیزی در این دنیا نیست که اراده کنم و نداشته باشم، همه لذت‌ها و امکانات و تفریح‌های دنیا را تجربه کردم، انتهایش به این رسیدم که هیچی نیست! امروز این آدم در مصاحبه خودش با یک خبرنگار از فلسطین حمایت می‌کند و می‌گوید اسرائیل مرتکب نسل‌کشی شده، خبرنگار

از او می‌پرسید: یعنی به نظر شما اگر اسرائیل نباشد جهان بهتری داریم؟ می‌گویید بله قطعاً همین‌طور خواهد بود. او کسی است که در بین مخاطبان‌ش در فضای مجازی به فسق و فجور معروف است، می‌بینیم طوفان‌الأقصى حتی این آدم را هم تکان داده، این جنس مخاطب را به حامی فلسطین تبدیل کرده است.

هر مجموعه فرهنگی و اجتماعی که امروزه فعالیت می‌کند و طرح و برنامه‌ای را در مسیر انقلاب اسلامی به‌پیش می‌برد، اگر بعد از طوفان‌الأقصى کارها و مأموریت‌های خودش را بازطراحی نکند، به نظر من بازنده است و اصلاً متوجه نشده که دنیا چند چند است و در حال پیش رفتن به کدام سمت هستیم. ضرورت دارد که حتماً برای فلسطین طرح و برنامه داشته باشیم.

ما چه کردیم؟ اصلاً حرفمان این بود که طوفان اتفاق افتاد و نمی‌توانیم بنشینیم. آقا بعد از ماجرای طوفان‌الأقصى در صحبت‌هایشان گفتند اگر حجم جنایات اسرائیل متوقف نشود، حامیان فلسطین و مردمی که دل‌داده فلسطین هستند، بی‌تاب خواهند شد. به واژه بی‌تاب خوب دقت کنید. آقا از چه حرف می‌زنند؟ حرف خیلی مهمی بود که آقا در آن برهه زدند. حامیان فلسطین و مردم ملت‌های مقاومت بی‌تاب خواهند شد و دیگر کسی نمی‌تواند جلوی بی‌تابی آن‌ها را بگیرد. من از شما سؤال می‌پرسم، اگر از این صحبت حضرت آقا به‌عنوان

فتوا یاد نکنیم پس به چه یاد کنیم؟ آقای انقلابی، خواهر انقلابی، برادر انقلابی، بی‌تاب شو، امروز برای فلسطین بی‌تاب نشوی باختی. به نظر من عملاً یک فتوا بود. بی‌تاب شو و دنبال کار فلسطین باش.

چطور مردم را به حامیان فلسطین تبدیل کنیم؟ اصلاً این کار چه دردی را از ما دوا می‌کند؟ به این نقطه رسیدیم که باید قصه بگوییم، چرا قصه؟ از این بابت که خیلی از مردم ما هنوز با حقیقت و اصل ماجرای که در آن منطقه اتفاق افتاده آشنا نیستند. بنده معلم هستم، واقعاً خیلی از همکاران ما خبر ندارند، دانش‌آموزها به کنار که اطلاعاتی ندارند، خیلی از همکاران ما هم نمی‌دانند. من در جمع بچه‌های مذهبی بودم که طرف یک وعده نماز و روزه‌اش قضا نمی‌شود؛ اما اطلاعی نداشت، می‌گفت فلسطینی‌ها هم بیکارند، مدام قضیه را داغ می‌کنند و اسرائیل را اذیت می‌کنند که اسرائیل هم اینجوری جواب بدهد و این‌همه شهید بدهند. چه کار می‌کنید؟! سر جای‌تان بنشینید و زندگی‌تان را بکنید. حتی خیلی از بچه مذهبی‌ها اینجوری بودند. این نشان می‌داد که هنوز نتوانستیم در سطح جامعه روایت صحیح را به مردم برسانیم. یک زمانی بود که در اوایل انقلاب، امام عزیز ما، امام خمینی گران‌قدر ما، متوجه شد مشکل مردم این است که سواد ندارند، بی‌سوادی در مردم ایران بیداد می‌کرد، این قضیه

این قدر برای امام بزرگوار ما مهم بود، دستور تشکیل جبهه و نهضتی را دادند که بتواند به سرعت این مشکل را که مشکل بزرگی در جامعه آن روز ایران بود حل کند. یک حرکت عمومی محسوب می‌شد که سرعتش خیلی مهم بود. کسانی که بی‌تاب بودند حرف امام را سر دست گرفتند و به نهضت سوادآموزی تبدیل شد. یک حرکت تمیز فرهنگی مردمی، اکثر افرادی که شرکت داشتند، معلمان و افرادی که سواد داشتند، بودند. این نهضت شکل گرفت و در مدت کوتاهی بی‌سوادی را که مشکل آن زمان بود، ریشه‌کن کرد. ما امروز دقیقاً با همین مواجه هستیم؛ ما امروز با بی‌سوادی مردم ایران، و مردم منطقه خودمان و مردم جهان در حوزه مقاومت مواجه هستیم؛ بنابراین به تشکیل نهضت سوادآموزی مقاومت نیاز داریم. این کار ماست، یعنی کاری که در مدرسه فلسطین دنبال آن هستیم این است. ما باید نهضت سوادآموزی مقاومت راه بیندازیم و سواد مقاومت را در بین مردم رواج دهیم و این خیلی اهمیت دارد، چرا؟ چون الان قشر زیادی از مردم ایران، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، درگیر فتنه رفاه‌طلبی شدند. شاید این تعبیر تلخ و دردناکی هم باشد. ایران اوایل انقلاب را که با الان مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم خیلی از مردم حداقل در ظاهر دیگر دنبال آرمان‌هایی که آن قدر محکم به دنبال آن بودند، نیستند و مقداری دچار رفاه‌طلبی شدند. این رفاه‌طلبی

را با نهضت سوادآموزی مقاومت می‌توان شکست. باید یک ایرانی، خصوصاً نسل جوان ما، نسل زیر ۲۰ سال ما، موضوع را شفاف کنیم. همه اتفاقات مثل یک پازل می‌ماند، ما این دغدغه را داریم که چطور نسل جوانمان را نجات دهیم که به ورطه گمراهی نرود. در ۱۴۰۱ شاهد بودیم، اکثر کسانی که در خیابان بودند متولدین دهه ۷۰ و حتی ۸۰ و ۹۰ بودند، یعنی کسانی بودند که ما نتوانستیم درست با آن‌ها مکالمه و گفتگو کنیم، نتوانستیم آن‌ها را مجاب کنیم که در کدام نقطه است، نتوانستیم به او بگوییم که تو به‌عنوان یک دهه هشتادی، در این گستره جهانی و اتفاقاتی که امروز می‌افتد، نقش داری، و نقش تو بسیار مهم است.

نتوانستیم این موضوع را برایش جا بیندازیم. بسیار مهم است که این سواد مقاومت را برای او جا بیندازیم که بفهمد کدام نقطه در دنیا ایستاده است، در این بازی تمدنی، در این جنگ تمدنی، در کدام نقطه ایستاده‌ای و چه وظیفه مهمی را به دوش داری؟ بنابراین ضرورت دارد که نهضت سوادآموزی مقاومت راه بیندازیم. این هدف ما بود. گفتیم برای این کار چه قدمی می‌توانیم برداریم؟ به این نقطه رسیدیم که باید قصه بگوییم، باید مردم یک‌بار بشنوند که چه اتفاقی افتاده است، مردم باید بدانند، بنابراین باید روایت دقیق فلسطین را بشنوند. چون ما فلسطین را خط مقدم مبارزه می‌بینیم.

حتی اگر بحث حق و باطل را نگوییم، فلسطین را خط مقدم مبارزه با قدرت‌های دنیا که دنبال منافع خودشان هستند، می‌دانیم. حتی بحث دینی و مذهبی را کنار بگذاریم و از این دریچه وارد شویم، خیلی‌ها می‌توانند با ما همراه شوند. ما می‌گوییم که این روایت صحیح را باید به گوش مردم برسانیم. یعنی همه مردم ایران حتی‌الامکان یک‌بار باید این روایت صحیح را بشنوند. خیلی از اطرافیان می‌شنویم که می‌گویند فلسطینی‌ها مگر خودشان زمین‌هایشان را نفروختند؟ چرا به اسرائیلی‌ها می‌گویند شما بیرون بروید؟ هم پول زمین‌ها را گرفتند و هم بیرون می‌کنند. اطلاعات جامعه ما در این حد تنزل دارد. یعنی خبر ندارند که کمتر از ۵، ۶ درصد زمین‌ها، آن هم با زیرکی نظامیان انگلیسی و... فروخته شده است. یعنی اطلاعاتمان درباره اتفاقات آنجا بسیار اندک است و ما سعی داریم روایت صحیح را برسانیم.

گفتیم چه کار کنیم؟ روایت قصه فلسطین را دست بگیریم. مدرسه فلسطین را تأسیس کردیم، تا این روایت را بگوییم. گفتن روایت چه دردی را دوا می‌کند؟ از نظر ما روایت درست مسئله فلسطین منجر به فهم دقیق مسئله فلسطین می‌شود. خیلی از مردم درک نمی‌کنند که آن‌جا چه اتفاقی افتاده؟ برای اینکه اطلاعات ندارند. ما روایت می‌کنیم که فهم صحیح را رقم بزنیم. فهم صحیح که اتفاق افتاد، چه

می‌شود؟ من وقتی بفهمم که آن‌جا جنایت اتفاق می‌افتد، و بالاترین جنایت‌هایی که در طول تاریخ بشریت رقم می‌خورد، آن‌جا اتفاق افتاده است، طبیعتاً اگر وجدان بیدار و قلب سلیم داشته باشم، به یک کنشگر تبدیل می‌شوم. چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی سعی می‌کنم در حمایت از فلسطین کنش کنم. پس فهم قصه فلسطین منجر به افزایش کنش‌ها در جهت حمایت از مردم فلسطین می‌شود و این کنش‌ها به قدری پررنگ می‌شوند، مثل کنش‌های دانشجویان آمریکایی که جهانی شد که در نهایت منجر به آزادی فلسطین خواهد شد و وقتی آزادی فلسطین رقم بخورد، به تعبیر معمار و ساکنان دار انقلاب اسلامی، رهبر عزیزمان، آزادی فلسطین خودش کلید رمزآلودی است که باعث گشایش مشکلات امت اسلامی خواهد شد.

نکاتی که خدمتتان گفتم از این قرار است:

روایت قصه فلسطین، کلید فهم درست مسئله فلسطین خواهد بود و وقتی فهم درست صورت بگیرد، این خودش کلید افزایش کمی و کیفی کنش‌های مردم می‌شود، و این خودش کلید آزادی فلسطین است، و آزادی فلسطین کلید حل مشکلات امت اسلامی است.

یعنی وقتی ما بتوانیم فلسطین را آزاد کنیم، جهان و کنش‌های مردم جهان را به سمتی ببریم که بگویند چه

کسی گفته است ۴، ۵ کشور برای کل دنیا تصمیم بگیرند، حق وتو را بزنیم، حق وتویی که کل کشورهای دنیا هم علیه اسرائیل بیانیه دهند، یک کشور مثل آمریکا می‌تواند با حق وتو این جنایت را بشوید و کل حرف مردم جهان را زیر سؤال ببرد. چه کسی این حق را به آمریکا داده است؟ چه کسی این حق ظالمانه را به ۴، ۵ کشور داده است؟ و اگر ما حق وتو را بزنیم که ان شاء الله خواهیم زد، این خودبه‌خود باعث حل مشکلات نه تنها امت اسلامی که حل مشکلات جهان خواهد بود و تصمیمات ظالمانه جهانی و قطع‌نامه‌های جهانی را خواهیم زد.

قدم اول ما چیست؟ چه کار کنیم که این نهضت سوادآموزی شکل بگیرد و حرکت عمومی حامیان فلسطین رقم بخورد؟ ما باید این سیاست را در پیش بگیریم، در هر مجموعه فرهنگی که هستیم، باید به این نکته برسیم که اگر بنا داریم حرکت عمومی رقم بزنیم، به معنای واقعی کلمه باید حرکت را عمومی کنیم. الان خیلی از مردم جامعه ما حتی کسانی که با جمهوری اسلامی زاویه دارند و اصلاً قبول ندارند، فلسطین برایشان اهمیت دارد. چون می‌گویند آنجا ظلم اتفاق می‌افتد. اما یک سری هستند که در اثر لجاجت با جمهوری اسلامی و اینکه می‌گویند جمهوری اسلامی کارآمد نبوده و ما مخالف هستیم، می‌گویند فلسطین توسط جمهوری اسلامی حمایت

می‌شود، پس فلسطین را هم دوست ندارند. یک‌سری هستند که در اثر لجاجت کنار می‌روند و پای‌کار فلسطین نمی‌آیند. چرا؟ چون ما در این سال‌ها و حتی خود مردم فلسطین، مسئله فلسطین را حکومتی و ایدئولوژیک کردیم، و طبیعتاً حتی مردم انقلابی ما هم نقشی برای خودشان قائل نبودند و نهایتاً می‌گفتند یک راهپیمایی روز قدس داریم و کفایت می‌کند. در صورتی‌که اصلاً این کار، کار مردمی است. خود فلسطینی‌ها هم تا مدتی این‌طور بودند و می‌گفتند مبارزه با اسرائیل را گروه‌های چریکی و نظامی و شبه‌نظامی انجام می‌دهند. بعد از زمانی که امام خمینی بزرگوار ما انقلاب اسلامی را به دست مردم شریف و مسلمان ایران رقم زد، تازه خیلی از فلسطینی‌ها متوجه شدند که اشتباه کردند که تا آن زمان فقط گروه‌های نظامی فعالیت می‌کردند و مردم نبودند، از آن‌جا بود که انتفاضه‌های مردمی شکل گرفت و در واقع مردم مظلوم فلسطین از انقلاب اسلامی و امام خمینی عزیزمان الگو گرفتند. پس باید این حرکت مردمی را آغاز کنیم. یعنی در هر مجموعه‌ای که هستیم، موضوع فلسطین را از فاز ایدئولوژیک و آرمان انقلابی بیرون آورده و وارد فاز انسانی کنیم. چون اگر از دریچه‌ی ظالم و مظلوم وارد قضیه بشویم و فطری کنیم، انسان‌ها فطرتاً می‌پذیرند. اینکه یک عده هستند که مورد ظلم قرار گرفته‌اند.

حضرت امیر علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرمایند که در

فلان والی و محله که تحت سیطره‌ی حاکم اسلامی بوده، دشمن وارد شده و خلخال از پای زن یهودی باز کرده است. در ادامه می‌فرمایند اگر مسلمان‌ی در غم این قضیه دق کند و جان خود را از دست بدهد، رواست.

کلام حضرت امیر را ببینید. ایشان در مورد یک زن یهودی این‌طور می‌فرمایند، پس در مورد افراد هم دین و هم کیش ما که این حد از ظلم دارد اتفاق می‌افتد چطور می‌شود بی‌تفاوت بود؟ کدام انسان می‌تواند این را بپذیرد؟ این قضیه را باید فطری کرد.

ما در ماجرا و روایتی که به گوش مردم می‌رسانیم، حرفمان این هست که از دریچه‌ی استعمار وارد شویم.

اگر یادتان باشد، در کلاس و کتاب‌های جغرافیا وقتی نقشه‌ی منطقه‌ی غرب آسیا را می‌گفتند، هر قسمتی یک رنگ بود. مثلاً ایران، عربستان، عراق و فلسطین هرکدام یک رنگ جداگانه داشتند که می‌گفتند این‌ها جدا هستند. این جداشدن از چه زمانی اتفاق افتاده است؟ (اگر در دوره‌ی ما شرکت فرمودید، مفصل‌تر در این باره توضیح خواهیم داد) بعد از جنگ جهانی دوم، منطقه‌ی ما را تجزیه کردند و گفتند شما غرب آسیا هستید و ملت‌های مختلف دارید. ما در یکی از اینفوگرافی‌هایمان که روایتگری‌ها را از روی آن انجام می‌دهیم، از قصد منطقه‌ی خودمان را کامل و یکدست

سفید کردیم و گفتیم این منطقه نه منطقه غرب آسیا و خاورمیانه بلکه منطقه‌ی ما مسلمانان و ما مردم منطقه است. چرا این‌طور وارد می‌شویم؟ چون می‌خواهیم به مخاطبمان بفهمانیم که هر اتفاقی در این منطقه می‌افتد، همه‌ی ما در آن هم سرنوشت هستیم. من شیعه‌ی مسلمان ایرانی نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم نسبت به اتفاقی که برای سنی مسلمان فلسطینی می‌افتد. ما با یکدیگر هم سرنوشت هستیم، اگر آنجا آتش بگیرد، دودش در چشم من ایرانی هم خواهد رفت؛ بنابراین ما باید متحدانه در این منطقه رفتار کنیم. ما باید هم‌افزایی داشته باشیم و به کمک یکدیگر بیاایم.

از دریچه‌ی استعمار وارد می‌شویم. استعمار این منطقه را برای چپاول، دائم ناامن می‌کند و برای همین یک غده سرطانی به اسم اسرائیل را در این منطقه پایه‌گذاری می‌کند که بتواند دائم این جو را ناامن کند و سود خودش را ببرد. ما همه‌ی این نکات و صحبت‌ها را در مدرسه‌ای که تحت عنوان مدرسه‌ی فلسطین تأسیس کرده‌ایم، در یک دوره به اسم دوره آموزشی و تربیتی راویان فلسطین، پایه‌گذاری کردیم.

این دوره به صورت مجازی و تقریباً در شش جلسه با محتوای مستند نزدیک به هشت الی نه ساعت ضبط شده است. همچنین از صحبت‌های اساتید درجه یک کشوری که حداقل دو هزار کتاب در خصوص یهودیت و ماجراهای

فلسطین مطالعه و یا تألیف کرده‌اند، استفاده شده است. در دوره‌ی تربیت راوی، ما خیلی به دنبال انتقال محتوا نیستیم، بلکه دنبال ایجاد یک زاویه نگاه هستیم. اینکه مخاطب از دریچه‌ی خاصی نگاه کند. وقتی این زاویه نگاه را بگیرد و بفهمد که در این ماجرای جهانی و جنگ تمدنی در کدام نقطه قرار گرفته است، خودش خودبه‌خود می‌رود دنبال مطالعه‌ی بیشتر و بهبود غنای محتوایی خودش.

تأکید ما روی معلمان، مبلغان، هریان و کسانی که به‌طورکلی مخاطب داشتند، بوده است. مخصوصاً معلمین که با نسل جدید در ارتباط هستند. جنس مخاطبمان هم کسانی هستند که بی‌تاب‌اند، یک زمینه‌ای دارند و نمی‌دانند که چه کاری انجام دهند. دنبال این جنس از مخاطب هستیم که دعوت کنیم ایشان را به دوره و در خدمتشان باشیم.

بعد از اینکه راوی از این دوره فارغ‌التحصیل می‌شود، سعی می‌کنیم که همچنان ارتباطمان را حفظ کنیم و زمینه‌هایی را فراهم کرده تا بتواند روایتگری کند. برای معلمین، مدارس مختلف و کانون‌های تربیتی مساجد سعی می‌کنیم تا جایی که از دستمان بر می‌آید در استان‌های مختلف تسهیلگری کنیم که شرایط حضور داشته باشند. یعنی مهم‌ترین مدل تبلیغی ما این تبلیغات چهره‌به‌چهره است. خود راوی، مبلغ ما می‌شود. برای اینکه وقتی که روایت کرد به بقیه هم

می‌گویند شما هم وظیفه دارید تبدیل به راوی فلسطین بشوید و خودش را تکثیر کند.

همچنین سعی می‌کنیم که نشست‌هایی برای تربیت ره‌یارها داشته باشیم.

در این دوره‌ی مجازی برای هر کدام از مخاطبانی که وارد دوره می‌شوند، یک نفر به عنوان ره‌یار او را همراهی می‌کند، در طول مسیر هدایت و کمکش می‌کند، سوالاتش را پاسخ می‌دهد.

ره‌یار دائم با مخاطب ما در ارتباط هست و ارتباط صمیمانه و نزدیکی دارد که بتواند هر چه بهتر او را در این مسیر هدایت کند.

ما نشست‌های متعددی برای تربیت این ره‌یاران داشتیم که می‌شود گفت یک سروگردن از بقیه‌ی راویان بالاتر هستند.

مدرسه‌ای که ما تأسیس کردیم نوپا هست و هنوز عمرش شاید در حد شش الی هفت ماه باشد. ما همچنان در حال گسترش هستیم و سعی می‌کنیم که با نشست‌های استانی و شهرستانی بتوانیم هسته‌های سختی را در استان‌های مختلف ایجاد کنیم که با سرعت بیشتری به کمک مدرسه بیایند و حرکت عمومی با سرعت بیشتری ان شاءالله شکل بگیرد.

کسانی که از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند در سه تا لایه می‌توانند فعالیت کنند:

یک، لایه فردی که فرد می‌تواند روایتگر باشد و برای روایت‌کردن هم اول از خانواده، دوستان، آشنایان، اطرافیان و همکاران شروع کرده و در ادامه ما زمینه‌هایش را فراهم می‌کنیم که در مجموعه‌های مختلف روایتگری کند.

لایه‌ی دوم این هست که می‌تواند در حوزه تشکیلاتی وارد شود. کسی هست که یک مجموعه‌ی فرهنگی دارد و دارای مخاطب خاص خودش هست، بتواند مسئله‌ی فلسطین را در تشکیلات خودش فعال و پویا کند.

لایه سوم هم کسانی هستند که شبکه‌ای دارند؛ مثلاً یک شبکه ملی دارند، یک سازمان هستند و می‌توانند در سراسر کشور و حتی فراتر از آن یعنی بین‌المللی قضیه را پیگیری کنند.

الان دوستان حوزه رسانه ما می‌خواهند تولیدات رسانه‌ای که دارند را به صورت بین‌المللی منتشرش کنند و به چنین شبکه‌هایی نیاز داریم. حتی به کسانی که بتوانند کلیپ‌هایی که در حوزه‌های مختلف جهانی توسط بلاگرهای کره‌ای، اسپانیایی و ایرلندی تولید می‌شود را ترجمه کنند، نیاز داریم. در واقع نهضت رسانه‌ای باید شکل بگیرد. مثلاً با دانشجویان جنبش دانشجویی که در جهان اتفاق افتاده، ارتباط بگیریم.

این موارد را در قدم‌های بعدی به دنبالش هستیم که ان شاء الله رقم بزنیم. پویش‌های مختلفی را راه‌اندازی کردیم و خواهیم کرد. مثل پویش هر مسجد یک خیمه‌ی مقاومت

که پرچم‌های فلسطین بین مساجد مختلف کشور توزیع شد. این کار به همکاری دوستان ما و عزیزانی که در بنیاد خاتم‌الاولیاء بودند، انجام شد.

در گام بلندترمان به دنبال این هستیم که ان‌شاءالله بتوانیم با نهادهای حاکمیتی و کسانی که قدرت دیپلماتیک دارند و با کمک حامیان فلسطین؛ فشارهایی را به سمتی ببریم که منجر به قطع شریان حیاتی رژیم صهیونیستی بشود.

متأسفانه، الان می‌بینید از طرف امارات مسیر ترانزیتی و حمایت‌های اقتصادی و از طرف آذربایجان و ترکیه، انتقال نفت و گازی صورت می‌گیرد که باید قطع شود.

ان‌شاءالله بتوانیم همراه با بسیج حامیان مردمی فلسطین، فشارهای جهانی را به این کشورهایی که لقلقه‌ی زبانشان حمایت از فلسطین هست؛ ولی در عمل و خفا کار دیگری می‌کنند؛ حاکم بکنیم و ان‌شاءالله به کمک و مدد شما در نهایت منجر به قطع شریان حیاتی رژیم خبیث صهیونیستی بشود. به نظر من عرایض بنده تا همین جا کفایت می‌کند. اگر سؤال‌ی هست، در خدمت شما هستیم.

اگر من امروز به عنوان یک فعال فرهنگی، بخواهم به مدرسه‌ی فلسطین کمک بکنم علاوه بر اینکه ثبت نام می‌کنم، چه کاری می‌توانم بکنم؟ یعنی خودم شخصاً ثبت نام کرده‌ام، دیگر چه کاری از دستم بر می‌آید؟

در وهله‌ی اول چیزی که در گفت‌وگوها به آن رسیده‌ایم، خیلی از عزیزانی بودند که مایل به همکاری بودند. می‌گفتند: «خب! (ثم ماذا؟!)) ما روایت هم کردیم، بعدش چه کار بکنیم؟» نظر من این هست که از این قضیه ساده عبور نکنید. یعنی اگر توان یا مجموعه‌ای تحت مدیریت شماست، گام اول و پایه‌ای که بتن‌ریزی کار هست و تا این قدم محکم و استوار برداشته نشود، نمی‌توانیم گام‌های بعدی را به آن صورت برداریم؛ همین روایت کردن است.

یعنی شما تمام تمرکز و تلاشتان را باید بر این بگذارید که هرچه سریع‌تر این روایت به گوش مردم ما برسد. یک جایی از عرایض خدمتتان عرض کردم، وقایعی که امروزه دارد می‌افتد، شتاب اتفاقاتی که در جبهه‌ی حق و شتاب اتفاقاتی که در جبهه‌ی باطل دارد می‌افتد، این روزها واقعاً سرسام‌آور است. مانند گذشته نیست. یعنی اتفاقات و فتنه‌ها به سرعت و پشت سر هم دارد می‌افتد. یعنی ما باید فلسطین و پرداختن به فلسطین را در این پازل تعریف بکنیم. در این پازلی که شاید قسمت‌های دیگرش از ذهن ما مفلول مانده است.

امروز شاید برای خیلی از عزیزان عجیب باشد. ما یک بمب ساعتی‌ای در کشورمان داریم. هنوز نترکیده است؛ ولی دقیقاً صدای تیک‌تاکش دارد به گوش ما می‌رسد. این چیست؟ ماجرای برادران و خواهران اتباع افغانستانی است که خب وقتی کسی فضای مجازی را رصد بکند، کاملاً مشهود است که خیلی از پیج‌ها و صفحه‌هایی را که ما الان از آن‌ها به‌عنوان صفحات زرد یاد می‌کنیم، و همین‌طور خیلی از معاندین انقلاب، دارند مدام به این قضیه می‌دهند و نسبت به اتباع افغانستانی نفرت‌پراکنی می‌کنند و معلوم نیست این مسئله و قضیه یک‌دفعه چه زمانی بترکد و یک فتنه‌ای را رقم بزند و خدای نکرده ما متضرر بشویم!

اگر ما داریم به قضیه‌ی فلسطین می‌پردازیم و می‌گوییم روایتش خیلی برای ما اهمیت دارد، این است که مخاطب ایرانی ما در وهله‌ی اول، جایگاه خودش را در این پازل بشناسد و وقتی که خودش را در قالب یک امت ببیند، این تمدن عظیمی که انبیا در این منطقه پایه‌ریزی کرده‌اند را درک بکند، نقش خودش و برادر و خواهر افغانستانی و فلسطینی خودش را درک بکند، تازه متوجه می‌شود که ما الان کجای کار هستیم. اصلاً من باید چطور به این مسئله‌ای که امروزه در کشورم دارد دنبال می‌شود، پردازم؟ چطور باید این‌ها را بینم و حلش بکنم؟

از این بابت است که بسیار اهمیت دارد که ما قصه‌ی فلسطین را روایت بکنیم تا او خودش را در منطقه‌ی ما فهم بکند. مخاطب ما، خودش را در منطقه‌ی ما فهم بکند. بداند که همه‌ی این کشورها به هم پیوسته هستند و نمی‌توانیم آن‌ها را جدا ببینیم.

بنابراین نظر من این است که اگر توانتان می‌رسد، اگر دستتان می‌رسد، ما را یاری بکنید، تا ما یکبار بتوانیم هرچه زودتر این روایت صحیح را به گوش همه برسانیم. وقتی این اتفاق بیفتد می‌توانیم برای گام‌های بعدی همکاری بکنیم.

البته دو، سه مورد را عرض کردم که ما الان به یک نهضت رسانه‌ای نیاز داریم. تولیدات رسانه‌ای ما باید زیاد بشود. چند نفری از دوستانمان کار را شروع کرده‌اند و ما نشستیم. اگر در حوزه‌ی رسانه می‌توانید کمک بکنید، ظرفیت‌های هنری را می‌توانید به خط بکنید و این‌ها را بیاورید و با دوستان ما هماهنگ بکنید، بسم‌الله!

اگر دستتان به نهادهای حاکمیتی می‌رسد و این‌ها را می‌توانید برای همان بحث قطع شریان که خدمتتان گفتم، به خط بکنید، بسیار نیاز داریم که شروع بکنیم و تا جایی که می‌توانیم، این گفتمان را جا بیندازیم. الان چرا ما روی روایت تأکید داریم؟ شاید خیلی از دوستان بگویند که: «خب! حالا ما یک قصه‌ای را هم گفتیم، چه شد؟»

واقعاً این طور نیست! ما بسیار برای این روایت کردن اهمیت قائل هستیم. عنوان بحث ما «وعدۀ صادق» است. شاید خیلی از مردم اوایل که کنسولگری ایران در سوریه مورد اصابت و حمله‌ی رژیم صهیونیستی قرار گرفت، و حتی خیلی از بچه مذهبی‌ها هم شاکی بودند و یقه پاره می‌کردند که: «چرا نمی‌زنیم؟ دارید قضیه را ساده جلوه می‌دهید! به اسرائیل رو دادیم، باید بزنیم و...» اصلاً کسی به این قضیه فکر کرد که چرا مسئولین ما دارند با طمأنینه و سبک‌وسنگین کردن پیش می‌روند و بلافاصله نمی‌زنند؟!!

دقیقاً من خاطرم هست در همان برهه، یک فوتبالی در همین ورزشگاه آزادی برگزار شده بود، و یک کلیپی از این مسابقه‌ی فوتبال بیرون آمد که یک عده‌ی مثلاً صدنفره، دویست نفره از همان تماشاگرها، آن‌جا داشتند بدویبراه و ناسزا به فلسطین می‌گفتند، مثلاً به فلسطین توهین می‌کردند و می‌گفتند: «جانم فدای ایران!»

به نظر شما این‌ها در تصمیمات افراد و فرماندهان نظامی ما تأثیر ندارد؟! که این به هر حال مردم جامعه‌ی تو هستند. تو اگر به اسرائیل جواب دادی، شاید او هم زد و دو موشک هم سمت تهران آمد، رهگیری هم نشد. وسط تهران خورد! آن وقت چقدر از مردم تو همراه تو هستند؟ چقدر توانستی دل‌های مردم را با قضیه‌ی فلسطین درست گره

بزنی؟ اگر مردم تو بعد از این حرکت تو، خدای ناکرده افتادند در خیابان‌ها علیه کار تو و فلسطین شعار دادند، می‌خواهی چه کاری بکنی؟ چطور می‌توانی این را حل بکنی؟

پس ببینید یک جاهایی سوخت موشک‌های مقاومت، حمایت مردمی از فلسطین است. شما چطور می‌توانید این حمایت را پای کار بیاورید؟ با روایت کردن صحیح قصه‌ی فلسطین. اینکه ما این قدر اهمیت قائل می‌شویم برای روایت کردن از این جهت است و باید از این زاویه به آن نگاه کرد. در وهله‌ی اول سعی می‌کنیم همه‌ی عزیزان با این زاویه‌ی نگاهی که دنبال می‌کنیم آشنا بشوند؛ بعد برای کار ممکن است حتی خود عزیزان ایده‌هایی داشته باشند که ان شاء الله به کمک مدرسه‌ی فلسطین بیاید و ما هم بتوانیم استقبال و دنبال بکنیم.

اگر جمع‌بندی‌ای هست بفرمایید.

خواهش می‌کنم! من تأکید می‌کنم به عزیزان تا به آدرس سایت که palstory.ir هست و می‌توانید با آن در دوره‌ی تربیت راوی قصه‌ی فلسطین ثبت نام بکنید، مراجعه کنید. دوره مجازی و کاملاً قابل انعطاف هست. با برنامه‌ی شما می‌تواند هماهنگ بشود. خیلی هم سبک هست. یعنی اصلاً این جور نیست که بخواهد وقت زیادی را از شما بگیرد.

در دوره هم ما دوست داریم نکته نظرهایی را نسبت به محتوایی که آن جا ارائه کرده‌ایم، بگویید. رهیاران شما را بهتر در جریان می‌گذارند که دوره چطور هست و چه کاری می‌خواهیم در دوره انجام بدهیم. اگر سر سوزنی دل در گروی قضیه‌ی فلسطین دارید و دلتان می‌سوزد که من تا به امروز هیچ کاری برای فلسطین نکرده‌ام؛ بسم‌الله! این شما و این دوره! دیگر بقیه‌اش با وجدان خودتان است که حداقلی‌ترین کاری را که می‌توانستیم بکنیم این بوده است. ما این مقدار را می‌توانستیم در طبق اخلاص بگذاریم و از دستمان برمی‌آمده و انجامش دادیم. بسم‌الله بگویید و دوره را آغاز بکنید.

دوره هم قابل انعطاف است. یعنی اگر کسی بچه زرنگ کلاس باشد، می‌تواند حتی در ده روز یا یک هفته، جمعش بکند. بستگی دارد که شما چقدر پای کار باشید و بتوانید آن مراحل و کارهایی را که چیده‌ایم را بگذرانید. ما راوی‌ای داشتیم که دوره‌ی ما را در ده روز گذراند و الان تبدیل به یکی از رهیاران ما شده است.

آن دوستان عزیزی که می‌گویند: «خب! ما بعد از اینکه روایت کردیم، چه کاری می‌توانیم بکنیم؟» این یک کار دیگر است. یعنی شما بیایید، تبدیل به رهیار مدرسه‌ی فلسطین بشوید. یک گام بالاتر بایستید، کمک بکنید که ما سریع‌تر بتوانیم نفرات بیشتری را به این مدرسه دعوت کنیم و این

روایت را به گوشش برسانیم.

حتماً در سایت وارد بشوید و ثبت نام بکنید، در این دوره شرکت بکنید. آدرس کانال را هم برایتان گذاشتم. ما هم در برنامه‌ی شاد هم در برنامه‌ی ایتا کانال داریم، و آن‌جا محتوای رسانه‌ای منتشر خواهد شد که قطعاً به کمک شما می‌آید. چه‌بسا شما ظرفیت‌های هنری‌ای داشته باشید که بتوانید به ما کمک بکنید. از طریق کانال و ادمین‌هایی که هستند، ارتباط بگیرید و ما بسیار خوشحال می‌شویم که ان‌شاءالله دست شما را در این مسیر بفشاریم و بتوانیم این قدم‌ها را به کمک شما برداریم.